از هزاران هزار اثر معماری که گذشتگان ما در این سرزمین پدید آورده اند فقط اندکی به دست ما رسیده است. انسان ها این بناها را با دیدگاه ها، اندیشه ها و سلایق، با فنون و مهارت ها، و با سازو کارهای فردی و اجتماعی پدید آورده اند. اما گذشت زمان و تحولات فرهنگی موجب شد تا امروزه تصور درستی از آن اندیشه ها و سازوکارها و شیوه های زندگی و طرز نگرش و داوری مردم آن دوره ها نداشته باشیم. تصور ما از معماری در سیاق فرهنگ ایران تصوری اجمالیست. بخشی از این تصور اجمالی را مجموعه ای از تصورها درباره ی انواع آثار تشکیل می دهد. یکی از این آثار یا گونه بناها، خانقاه است. از منابع نوشتاری چنین برمی آید که تا پیش از صفویه، در بسیاری از شهرهای ایران چندین خانقاه وجود داشته و گاهی خانقاه از نظر تعداد با مسجد و گرمابه همتایی داشته است. صفویان، با آنکه خود از خانقاه برآمده بودند، اما بسیاری از خانقاه ها را ویران یا نام و کارکرد آن ها را دگرگون کردند. در نتیجه، در طی سده های پس از آن، گونه بنایی به نام خانقاه کمابیش از یاد رفت و معماری آن فراموش شد. از این روست که اگر امروزه خانقاهی برجا مانده باشد، به دشواری می توان آن را بازشناخت و خانقاه بودنش را گواهی کرد. به همین دلیل معماری خانقاه از مواضع ابهام در تاریخ معماری ایران است؛ چننان که گویی بخشی از حافظه ی معماری ما محو شده است. بازیابی این حافظه نیاز به کاری عمیق و گسترده در دوره ها و مکان های گوناگون دارد. این کتاب متکفل یکی از پاره های آن تحقیق گسترده است. چیستی و چگونگی معماری خانقاه در زادگاه آن، خراسان، و در نخستین پاره ی تاریخ آن، یعنی از اواخر سده ی چهارم تا نیمه ی سده ی ششم هجری.

نوشتار پیش رو حاوی چهار فصل است. فصل اول به تبار و خویشان خانقاه می پردازد. در فصل دوم نهاد خانقاه مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم بنای خانقاه و فصل چهارم بقایای خانقاه را مورد کاوش قرار می دهد.